

بررسی قیمت دستوری در فقه اسلامی

فراست محمدی بلبان آباد^۱

چکیده

این پژوهش قیمت دستوری از دیدگاه فقهای اسلامی را بررسی می‌کند. قیمت دستوری سیاستی برای تنظیم بازار و کنترل تورم از طرف دولت است. در این پژوهش می‌کوشیم با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی، بگوییم قیمت دستوری مترادف واژه تسعیر در فقه اسلامی است. جمهور فقها با استناد به آیه قرآن و روایات و قواعد فقهی، تسعیر و قیمت دستوری را جایز ندانسته‌اند؛ هرچند طبق رأی غیر مشهوری، بنابر مصلحت ملزومه، جایز دانسته شده است. نتیجه این پژوهش با تکیه به رأی بیشتر فقیهان، نظر کارشناسان امر بر نامناسب بودن قیمت دستوری و نتایج زیان‌بار این اقدام مانند افزایش فساد اقتصادی، افزایش واسطه‌ها و تعمیم ضرر، جایز نبودن تعیین قیمت دستوری است.

کلید واژه: قیمت دستوری، تسعیر، فقه.

۱- دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، مدرس گروه معارف اسلامی آموزشکده فنی و حرفه ای دختران سنندج، دانشگاه فنی و حرفه‌ای، کردستان، ایران؛ f.muhamadi@gmail.com

مقدمه

وظیفه تنظیم و تثبیت قیمت بازار برعهده دولت است و ستاد تنظیم بازار زیر نظر قوه مجریه، این مهم را به عهده گرفته است. براساس مسئولیت‌های مدون، وظیفه این ستاد آرامش بازار، تأمین کالاهای ضروری، کنترل قیمت، نظارت و کنترل بر روند عرضه کالا و خدمات به مردم است. این نهاد موظف است با توجه به وضعیت معیشتی مردم، درآمد آنها و میزان تورم کشور، کالاهای ضروری مردم را تأمین و قیمت‌گذاری کند و به درستی در سطح کشور توزیع کند. به همین دلیل برای تنظیم بازار، همواره آئین‌نامه‌ها و تصویب‌نامه‌هایی، تصویب و اجرا می‌شود؛ برای مثال با تصویب کارگروه تنظیم بازار در ۱۳۹۷/۶/۱۰ کالاهای تعیین‌شده این کارگروه مشمول تعیین قیمت از سوی سازمان حمایت از مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان شد. ستاد تنظیم بازار نیز پس از تصویب، کالاها را در شبکه منتخب با قیمت تثبیتی - تصویبی توزیع کرد. نظارت ستاد هم از زمان ترخیص کالا تا عرضه در شبکه خرده‌فروشی و آخرین زنجیره مصرف، ادامه داشت. در بند ج این دستور کار که اهمیت بسیار بالایی دارد، آمده است: قیمت سایر کالاها و خدمات با رعایت ضوابط قیمت‌گذاری از سوی سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان (مصوبه هیئت تعیین و تثبیت قیمت‌ها) تعیین می‌شود. واحدهای تولیدی، خدماتی و بازرگانی نیز به‌طور رسمی درصدهای سود عمده‌فروشی، خرده‌فروشی، پخش و شیوه‌نامه‌های مربوط به آن را تعیین می‌کنند. سازمان حمایت مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان و سازمان‌های صنعت، معدن و تجارت در استان‌ها، موظف‌اند هم‌زمان با رصد و پایش مستمر بازار، به شکایت‌های احتمالی از افزایش غیر متعارف قیمت‌ها رسیدگی کنند. طبق این تصویب‌نامه به‌روشنی پیدا است که وزارت صنعت و معدن و تجارت، تعیین‌کننده و ناظر بر اجرای قیمت‌های مصوب است (مصوبه کارگروه تنظیم بازار، ۱۳۹۷/۶/۱۰).

در فقه اسلامی شاهد نظرات علمای مسلمان درباره تعیین نرخ بازار و تسعیر و نظارت بر آن، با استناد به ادله تفصیله در این موضوع هستیم. این پژوهش با هدف بررسی دیدگاه فقه اسلامی درباره قیمت دستوری، ضمن بیان مسئله، به پرسش درباره دیدگاه

فقه اسلامی در موضوع قیمت، پاسخ داده است.

با توجه به اسلامی بودن جامعه ما و اختلاف نظری که معمولاً صاحب نظران در موضوع وضعیت اقتصادی و تنظیم و نظارت بر بازار دارند، بررسی شرعی این مسئله ضروری است. در نظرات قدیم و جدید فقها و در میان ابواب کتاب‌های فقهی و در رساله‌های توضیح المسائل جدید، نظراتی مبنی بر تعیین نرخ کالا می‌توان یافت و برخی از سایت‌های خبری نیز مختصری از این نظرات را پوشش داده‌اند؛ از جمله خبرگزاری اهل بیت (عهم) در سرویس صفحه فرهنگی، مطلبی کوتاه با عنوان کنترل قیمت به نوشته مهدی جبرائیلی تبریزی آورده است. مقاله‌ای نیز با عنوان «ضوابط قیمت‌گذاری از منظر فقه امامیه» نوشته سیدعباس موسویان و حسن بهاری قراملکی در دو فصلنامه معرفت اقتصادی شماره ۲ چاپ شده است که اگرچه با مقاله حاضر تا حدی تناسب عنوانی دارد، اما آن مقاله فقط از منظر فقه امامیه، موضوع را بررسی کرده است و بیشتر مطالب آن هم پیرامون مسئله احتکار است تا قیمت‌گذاری. تحقیق حاضر به صورت کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

۱- قیمت دستوری

قیمت دستوری با قیمت‌گذاری متفاوت است. در زیر به این دو مقوله اشاره شده است:

الف) قیمت‌گذاری **PRICING** عبارت است از فرایند مشخص کردن ارزش کالا یا خدمات برای خرید یا فروش. قیمت‌گذاری فرایندی است که بر اساس آن یک کسب‌وکار، می‌تواند قیمت فروش محصولات و خدمات خود را تعیین کند و ممکن است بخشی از برنامه بازاریابی یا برنامه کسب‌وکار نیز باشد. قیمت‌گذاری به معنی سنجش و ارزیابی، اندازه جامعه هدف و محصول در بازار و ارزش مبادله‌ای کالا و خدمت است که به صورت واحد پول بیان می‌شود. بر این اساس قیمت‌گذاری به معنای ساده، یعنی تعیین قیمت برای کالا یا خدمات (انصاری، ۱۳۹۸، ص ۳؛ طهرانی، ۱۳۹۸، ص ۲).

قیمت‌گذاری محصول، یکی از پیچیده‌ترین کارها است؛ قیمت‌های بیش از اندازه بالا و نامتناسب با ارزش محصول، موجب ماندن محصول روی دست تولیدکننده می‌شود و قیمت‌های بیش از اندازه پایین هم تناسب میان انتظارات فروشندگان و درآمدی که به دست می‌آورند را از میان می‌برد. در تعیین قیمت، کسب و کار یا سازمان تولیدکننده باید عوامل بسیاری را در نظر بگیرند. این عوامل گاهی بسیار زیاد با پیچیدگی‌های خاص می‌شوند؛ اما عمومی‌ترین آنها هزینه تولید، محل بازار، رقابت، شرایط بازار، برند و کیفیت محصول است. قیمت‌گذاری می‌تواند فرآیندی دستی یا خودکار در اعمال قیمت برای سفارشات خرید و فروش باشد که بر اساس عواملی مانند مبلغ ثابت افزایش قیمت، تبلیغات یا کمپین فروش، قیمت‌گذاری خاص فروشنده، قیمت غالب در هنگام ورود به بازار، تاریخ حمل یا فاکتور، ترکیبی از سفارشات گوناگون و دیگر عوامل مؤثر بر قیمت‌گذاری تعیین شود. قیمت‌گذاری مهم‌ترین مفهوم در بازاریابی است که از آن به عنوان تصمیمی تاکتیکی در پاسخ به موقعیت‌های بازار یاد می‌شود (اسلامی، ۱۳۹۸، ص ۲؛ انصاری، ۱۳۹۸، ص ۳).

ب) قیمت دستوری یعنی کنترل دستوری نرخ فروش، که اهرم اصلی سیاست‌گذار برای کنترل قیمت‌ها در بازار کالا و خدمات است (دومینوی شکست قیمت دستوری، ۱۳۹۹، ص ۱). در این روش که نقطه مقابل روش نرخ‌گذاری محصولات در بازار رقابتی است، خود دولت قیمت کالاهای بازار و خدمات را تعیین می‌کند. کنترل دستوری قیمت کالاها از جمله تصمیمات دولت است که گاه برای کنترل تورم، با افزایش نرخ محصولات تولیدی مخالفت می‌کند و این تصمیم می‌تواند بر بازار سرمایه، اثر منفی داشته باشد (میرصانعی، ۱۳۹۳، ص ۳). بسیاری از مسئولان، به کمک تعیین قیمت دستوری در بازارها، بر این باور بودند که می‌توان بازارهای مختلف را با قیمت مشخص شده از بیرون بازار کنترل کرد. در نتیجه بازار و نرخ‌های موجود در آن را مطابق شرایط دلخواه خود پیش می‌بردند. در روش قیمت‌گذاری دستوری، اعتقاد بر آن است که فروشنده قصد گران‌فروشی دارد و نیاز است کنترل قیمت در زمان فروش اعمال شود. این روش معمولاً پاسخگو نیست و قیمت‌های تعیین شده فقط روی کاغذ و در بخشنامه‌ها باقی

خواهد ماند و در عمل تأثیری در بازار نخواهد داشت و چه بسا بیشتر سبب آشفتگی در بازار خواهد شد (دومینوی شکست قیمت دستوری، ۱۳۹۹، ص ۱).

۲- تسعیر

در متون فقهی، مترادف قیمت دستوری تسعیر است. تسعیر در لغت یعنی نرخ گذاشتن برای چیزی، بها تعیین کردن و تبدیل ارز (ابن منظور، ۱۴۱۴ق، ج ۶، ص ۳۰). در فرهنگ فارسی معین، تسعیر که جمع آن أسعار است، به معنی چیزی است که قیمت را تقویم و تعیین می‌کند (معین، ذیل واژه تسعیر). در اصطلاح دستور سلطان یا نائب او یا هر کسی که امور مسلمانان را ولایت می‌کند، به اهل بازار است که برای رعایت مصلحت، اجناس را به قیمت مشخصی معامله کنند و از زیاده یا کمتر از آن منع شوند (شوکانی، بی تا، ج ۵، ص ۳۳۵). بر این اساس تسعیر، تعیین نرخ مشخص از سوی ولی امر و اجبار فروشنده‌ها بر التزام به آن است (مجموعه من المؤلفین، بی تا، ج ۱، ص ۷۵).

۳- دیدگاه فقها درباره قیمت دستوری

قیمت دستوری، تسعیر یا نرخ‌گذاری کالا از سوی حکومت و دولت، امری است که در فقه اسلامی نیز تشریح و قانون‌گذاری شده است و در این باره نظراتی از فقیهان در تبیین مسئله، در دست است. اهل علم در تعیین میزان و قیمتی که اهل بازار از آن تجاوز نکنند اختلاف نظر دارند، برخی آن را اجازه داده‌اند و برخی منع کرده‌اند و برای این جواز و منع، معیارها و دلایلی بیان کرده‌اند. در زیر نظر مخالفین و موافقین در این موضوع را بیان می‌کنیم:

۳-۱- مخالفین قیمت دستوری

۳-۱-۱- دیدگاه فقها:

با بررسی نظرات فقهای مخالف درباره قیمت دستوری، معلوم می‌شود که این گروه، فروشنده را در تعیین قیمت برای کالای خود مختار می‌دانند و در این موضوع، مدعی اجماع‌اند. شیخ طوسی می‌گوید: «اگر کسی از اهل بازار در کم یا زیاد قیمت کالا با مابقی

اهل بازار متفاوت بود، کسی نباید به او اعتراض کند. فقها در این موضوع اجماع دارند و دلیل ما منع پیامبر(ص) از تسعیر است و در این اختلافی وجود ندارد...؛ همچنین جایز نیست کسی [بخاطر قیمت] به مالک کالا اعتراض کند مگر اینکه دلیلی داشته باشد و در شرع درباره این موضوع، دلیلی بر اعتراض نیست.» (طوسی، ۱۴۰۷ق؛ ج ۳، ص ۲۱۲). او همچنین می‌گوید: «جایز نیست امام یا نایب او چه در زمان قحطی و چه در زمان غیر قحطی، بر کالاهای اهل بازار از خوراکی و...، قیمت تعیین کنند و در این اختلافی نیست. از پیامبر(ص) نقل شده است که مردی نزد ایشان آمد و گفت: بر اصحاب طعام نرخ تعیین کن. پیامبر(ص) گفت: از خدا بخواه. دوباره مرد آمد و گفت: ای رسول خدا بر اصحاب طعام تعیین نرخ نما. گفت: بلکه خداند [قیمت] را بالاوپایین می‌کند.» (طوسی، ۱۳۸۷ق؛ ج ۲، ص ۱۹۵). این رأی (منع تسعیر) که در همه کتاب‌های شیخ طوسی آمده است، صحیح و بالنفسه قوی است؛ زیرا بر آن اجماع است و اخبار متواتر و نظر ائمه اطهار(عهم) با آن است؛ همچنین اصل برائت از الزام مکلف به تسعیر داریم که برای اثبات آن حکم و دلیل شرعی لازم است؛ بنابراین اگر شخصی از اهل بازار در زیادی و کم قیمت کالا با مابقی مخالف بود، کسی نمی‌تواند به او اعتراض کند (حلی «ابن ادریس»، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۳۹). در تذکره آمده است مشهور، منع تسعیر است و دلیل آن حدیث پیامبر(ص) در منع تسعیر (کلینی، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۱۶۴؛ طوسی، ۱۳۹۰ق، ج ۳، ص ۱۱۴ و ۴۰۷) و نیز روایت امام صادق(ع) بر جایز نبودن تسعیر است (حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۱۶۸).

برخی از علما گفته‌اند که قیمت‌گذاری به این دلیل است که مردم بتوانند کالاهای مورد نیاز خود را به راحتی از بازار تهیه کنند. با وجود این اگر سیاست‌های حکومتی به گونه‌ای باشد که نه تنها مشکل گرانی را حل نکند، بلکه موجب کمبود و کسری کالا نیز شود، زیان مضاعفی بر مردم وارد خواهد شد. طبق این دلیل بعضی از فقها معتقدند قیمت‌گذاری موجب چنین مشکلی شده است و با این روش وضعیت مردم از وضع موجود بدتر خواهد شد؛ چراکه این کار باعث می‌شود تاجرها اجناس خود را از بازار جمع کنند و از عرضه آنها خودداری کنند. علامه حلی با استفاده از این دلیل، قیمت‌گذاری را

جایز نمی‌داند (علامه حلی، ۱۴۱۴ق، ج ۱۲، ص ۱۶۹؛ علامه حلی، ۱۴۱۰ق، نهاییه الاحکام فی معرفه الاحکام، ج ۲، ص ۵۱۵). در مذاهب فقهی دیگر نیز برخی از حنفیه، مالک و شاگردانش، مذهب شافعیه (طبق یکی از اقوال) و حنابله (بر اساس قول مشهور)، تسعیر را جایز ندانسته‌اند. در شرح هدایه آمده است: «سزاوار نیست که سلطان برای مردم نرخ تعیین کند.» (غیتابی، ۱۴۲۰ق، ج ۱۲، ص ۲۱۷). در کتاب منتقی هم بعد از بیان مسئله آمده است: «مالک از این [تعیین نرخ] منع کرده است.» (تجیبی، ۱۳۳۳ق، ج ۵، ص ۱۸). المذهب نیز نوشته است که «جایز نیست سلطان تسعیر نماید» (شیرازی، بی‌تا، ج ۲، ص ۶۴). ابن‌قدامه می‌گوید: «جایز نیست امام بر مردم تسعیر نماید و مردم اموالشان را با اختیار در نرخ‌گذاری، معامله کنند.» (ابن‌قدامه، ۱۹۶۸ق، ج ۴، ص ۱۶۴). همچنین در الانصاف آمده است: «تسعیر حرام است و خرید و فروش مطابق آن مکروه است؛ بنا بر رأی صحیح مذهب.» (مرداوی، بی‌تا، ج ۴، ص ۳۳۸).

بر اساس این نظرات، حق تعیین نرخ و قیمت کالا به فروشنده آن واگذار شده است. به نظر می‌رسد این تسلط مالک بر کالا، برای او نوعی اشراف همه‌جانبه از میزان منفعت و کارابودن کالا تا برآورد کردن هزینه‌های آن، از تولید و ارتقا تا زمانی که به دست مشتری می‌رسد، ایجاد می‌کند که این حق تعیین قیمت را منحصر به او کرده است.

۳-۱-۲- دلایل مخالفان قیمت دستوری:

این گروه برای نظر خود به دلایل زیر استدلال کرده‌اند:

۱. آیه: تسعیر با این آیه تنافی دارد: (إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ) (نساء، ۲۹).
۲. روایت: قال الناس: يا رسول الله، غلا السعر فسعر لنا، فقال: «إن الله هو المسعر، القابض الباسط الرازق، وإنني لأرجو أن ألقى الله وليس أحدكم يظالمه في دم ولا مال.» (ترمذی، ۱۹۹۸م، ج ۲، ص ۵۹۶، باب البيوع، شماره ۱۳۱۴). جاء رجل فقال: يا رسول الله، سعر، فقال: «بل ادعو الله»، ثم جاء آخر فقال: يا رسول الله، سعر. فقال: «بل الله يخفض ويرفع» (أبو داود، بی‌تا، ج ۳، ص ۲۷۲، باب البيوع شماره ۳۴۵۰).

وجه استدلال به این روایات این است که پیامبر(ص)، با وجود اصرار به ایشان برای تعیین نرخ، نرخ تعیین نکرد و دلیل پرهیز از نرخ‌گذاری را مظلّمه بودن آن و حرام بودن ظلم خواند. ظاهر احادیث حاکی از این است که فرقی میان زمان خشکسالی و غیر خشکسالی و حبس کالا نیست.

۳. قاعده فقهی: «الناس مسلطون علی اموالهم». مردم بر اموال خود اختیار دارند و تسعیر، حجر گذاشتن بر آنها است؛ زیرا حجر به معنای منع صاحب کالا از تسلط و دخل و تصرف در کالا است و تسعیر مانع از دخل و تصرف فروشنده و نوعی حجر گذاشتن بر فروشنده کالا است. امام مأمور به رعایت مصلحت مسلمین است و رأی او به کم کردن قیمت، به مصلحت فروشنده نیست. بنابراین در تقابل دو امر (کم و زیادی قیمت)، بهتر است هر گروه پیرو اجتهاد خودشان باشند و الزام صاحب کالا برای فروش به قیمتی که راضی نیست درست نیست.

۴. اصل برائت: جواز قیمت‌گذاری از سوی حاکم شرع، خود یک حکم شرعی است که اثبات آن نیازمند دلیل شرعی است و اگر در دلیل شرعی آن شک داشته باشیم، این تکلیف بر حاکم شرع ثابت نخواهد شد. این دلیل را برای اثبات جایز نبودن قیمت‌گذاری بیان کرده‌اند (علامه حلی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۲۳۹).

پاسخ کسانی که تسعیر را جایز می‌دانند به این استدلال‌ها این است که: الف- ممکن است این حدیث به اقتضای امانت پیامبر(ص) و رعایت مصلحتی باشد که در آن موقعیت لازم بوده است و می‌تواند با قاعده عموم در شریعت دفع شود. نصوص عام در شریعت از لحاظ زمان و مکان و اشخاص و احوال است و از طرف خداوند وحی شده و حمل آن بر صورتی معین، دلیل خاص زمانی و مکانی و شخص و حال می‌خواهد؛ برخلاف اصل که نیازمند دلیل است. همچنین این حدیث را می‌توان حمل بر تصرفات اجتهادی پیامبر(ص) کرد. ب- حدیث «إني لأرجو أن ألقى الله وليس أحد منكم يطلبني بمظلمة في دم ولا مال» (ترمذی، ۱۹۹۸م، ج ۲، ص ۵۹۶، باب البيوع، شماره ۱۳۱۴؛ أبوداود، بی‌تا، باب البيوع، شماره ۳۴۵۱)، دلیل صریحی است بر این که علت

جایز نبودن تسعیر، نبود ظلم از سوی مردم (خریدار یا فروشنده) است و این از برقراری عدالت بین آنها محافظت می‌کند. ضمن این‌که حامی فروشنده در برابر اصرار مشتری به پرداخت قیمتی است که می‌خواهد، حامی مشتری در اصرار فروشنده بر غبن فاحش نیز هست. بدین ترتیب راه بر ضرورتی که منجر به مظلومه است، می‌بندد. بدون شک اگر پیامبر(ص) تمایل فروشنده به این ظلم را می‌دید، دستش را می‌گرفت و او را ملزم به تحدید و تعیین نرخ می‌کرد تا تجاوز نکند و لازمه قول پیامبر(ص) در حدیث «إني لأرجو أن ألقى الله وليس أحد منكم يطلبني بمظلمة في دم ولا مال» و حدیث «لا ضرر ولا ضرار» همین است (مجموعه من المؤلفین، بی‌تا، ج ۲، ص ۵۴۱).

۳-۲- موافقین قیمت دستوری:

مهم‌ترین دلیل موافقان قیمت‌گذاری، رعایت مصلحت و جلوگیری از ظلم و اجحاف است. شیخ مفید گفته است: «و سلطان بنا بر مصلحت، تعیین قیمت کند و این تعیین قیمت به‌گونه‌ای نباشد که صاحب کالا و حرفه ضرر کند.» (مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۶۱۶). شیخ مفید و سلار دیلمی، اجبار محتکر بر تسعیر را جایز می‌دانند (حلی، ۱۴۲۰ق، ج ۲، ص ۲۵۵). برخی از فقیهان دیگر که در اصل رأی به منع تسعیر داده‌اند نیز در شرایطی، قیمت دستوری را جایز می‌دانند؛ از جمله آیت‌الله خویی پس از فتوا به منع قیمت‌گذاری، می‌گوید: «در صورتی که فروشنده در قیمت‌گذاری اجحاف نماید، به طوری که نوعی از احتکار محسوب شود، حاکم اسلامی از آن جلوگیری کند تا مالک کالا به قیمت بازار یا مقداری بیشتر که در حدّ توان خرید مردم باشد کالا را بفروشد.» (خویی، ۱۳۷۷ق، ج ۵، ص ۵۰۰-۵۰۱). آیت‌الله خمینی نیز نوشته است: «و اما قیمت‌گذاری در ابتدا جایز نیست، ولی اگر فروشنده اجحاف نماید، به ناچار باید قیمت را کاهش دهد وگرنه حاکم شرع، او را ناچار می‌کند که کالا را به قیمت آن سرزمین یا به صلاح‌دید حاکم بفروشد.» (خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۶۱۳).

اما درباره جواز تسعیر، این قول مالک به روایت اشهب است که: «صاحب بازار بر گوشت بز سه رطل و بر گوشت شتر نصف رطل... قیمت‌گذاری کند. دلیل این رأی

در نظر گرفتن مصالح عامه و جلوگیری از گران فروشی و فساد است. اجباری بر معامله مردم نیست و اگر هم مصلحتی برای خریدار و فروشنده باشد، از خرید و فروش با نرخ امام جلوگیری می‌شود. همچنین از سود و نفع فروشنده هم ممانعت نشود و اجازه ضرر به مردم هم با آن داده نمی‌شود.» (تجیبی، ۱۳۳۲ق، ج ۵، ص ۱۸). در ارشاد السالک آمده است: «تسعیر بنا بر مصلحت، به شرطی که امام وجوه اهل بازار را جمع کند و دیگران را بر صدق اهل بازار حاضر نماید، جایز است و امتناع پیامبر (ص) از تسعیر بعد از درخواست صحابه از ایشان، دلیل بر حرمت تسعیر نمی‌باشد، بلکه حمل به عدم نیاز به تسعیر می‌شود و ارشاد به طریق احتیاط است.» (بغدادی، بی تا، ج ۱، ص ۸۵). همچنین بنا بر نظر مالک و شافعی، تسعیر فقط در زمان خشکسالی جایز است و مالک گفته است: والی در سال قحطی تسعیر نماید. نووی گفته است تسعیر فقط در خشکسالی جایز است (جمعی از مؤلفین، بی تا، ج ۲، ص ۵۳۶-۵۴۳). ملاک و معیار جواز قیمت‌گذاری در نظرات برخی از فقیهان، ظلم و اجحاف از جانب فروشنده است: «اگر فروشنده قیمت را ظالمانه تعیین کند، حاکم شرع به قیمت‌گذاری بپردازد؛ زیرا اجحاف فروشنده منجر به ضرررسانی به دیگران است و این در شرع قابل پذیرش نیست.» (عاملی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۰۹؛ نجفی، ۱۳۶۸، ج ۲۲، ص ۴۸۵-۴۸۶؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۲۶۸). بنابراین روایات دلالت‌کننده بر جایز نبودن قیمت‌گذاری، شامل این قبیل نمونه‌ها نمی‌شوند؛ زیرا در این حال قیمت نگذاشتن، به احتکار منجر می‌شود. اگر فروشنده برای فرار از فروش کالا، قیمت را چنان تعیین کند که هیچ‌کس نتواند آن را بخرد، بدون شک حاکم شرع، حق تصمیم‌گیری دارد و آن روایات، شامل این حالت نمی‌شود. روایاتی نیز مبنی بر توجه پیامبر (ص) و ائمه (عهم) بر امر بازار، نقل شده است؛ برای نمونه پیامبر (ص) پس از فتح مکه، نظارت بر بازار مکه را به سعد بن سعید بن العاص سپرد و عمر بن خطاب را به نظارت بر بازار مدینه گماشت. حضرت علی (ع) نیز توجه آشکاری به بازار و نظارت بر آن داشت و به صورت مستقیم یا غیرمستقیم بر بازارها نظارت می‌کرد (نظریور، ۱۳۸۰، ص ۵۹). امام علی (ع) در مدت کوتاه حکومت خود، بازار به بازار در کوفه می‌گشت و مردم را با توصیه‌های اخلاقی و دستورات حکومتی، به رعایت سهولت و دوری از ظلم و ربا و

رعایت انصاف و تقوای الهی توصیه می‌فرمود (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۱۵۱).

۳-۲-۱- دلایل جواز قیمت دستوری

۱. دفع ضرر از جامعه: وضعیت جامعه گاه تسعیر از سوی ولی امر را ایجاب می‌کند و آن دفع ضرر از جامعه است. این در صورتی است که قیمت اطعمه و خوراکی به شکل نامناسبی بالا رود. اگرچه تاجران از این قیمت‌گذاری زیان می‌بینند، ولی دفع ضرر عام مقدم بر دفع ضرر خاص است. همچنین تسعیر در صنایع نیز جاری است تا مزد بالا نگیرند و از مردم در مقابل ظلم حمایت شود؛ زیرا لازمه جواز تعیین قیمت ظالمانه به وسیله مالک، ضرر به عموم است و ضرر در اسلام نفی شده است؛ بنابراین لازم است که حاکم شرع برای کالای این فرد قیمت خاصی را تعیین کند تا ضرر منتفی شود. برای قاعده «الضرر یزال» شواهد زیادی آمده است که از جمله آن تحمل خسارت فردی برای رفع ضرر از عامه مردم است. بر این اساس در صورت نیاز حاکم حق دارد که برای اجناس مورد نیاز تعیین قیمت کند تا کسی جنس را زیاده بر قیمت آن نفروشد (ابوزید، ۱۴۱۶ق، ج ۲، ص ۱۲۵).

۲. صیانت از حقوق مردم: در مواردی که فروش برخی اقلام برای عده خاصی است، یا در موارد تبانی تجار بر سود فاحش از فروش جنس، باید نرخ تعیین شود. در این صورت برای صیانت از حقوق مردم، تسعیر جایز است: «ثمن، حق فروشنده است؛ پس تعیین و تقدیر آن هم با فروشنده است و سزاوار نیست که امام به این حق تعرض کند، مگر اینکه ارباب طعام به صورتی فاحش تعدی کنند و سلطان عاجز از صیانت حقوق مسلمین باشد جز با تسعیر که در این صورت، تسعیر با مشورت اهل رأی و نظر بلاشکال است.» (زیلعلی حنفی، ۱۳۱۳ق، ج ۶، ص ۲۸).

۳. مصلحت جامعه: «بیعی که برخلاف تسعیر صورت بگیرد، حکماً صحیح است، اما ولی امر کسی را که مخالف تسعیر معامله کرده را تعزیر نماید تا اطاعت از معروفی که مصلحت جامعه در آن است واجب شود.» (جمعی از مؤلفین، بی تا، ج ۱، ص ۷۵). «پس اگر مصلحت تنها در تسعیر بود، حاکم عدلاً تسعیر نماید و با رفع نیاز و اقامه

مصلحت بدون تسعیر، تسعیر برداشته شود. پس اگر نیاز مردم جز با تسعیر از بین نرفت و مصلحت تنها با تسعیر برپا شد، به خاطر حقوق عامه، تسعیر بر حاکم واجب است.» (دبیان، ۱۴۳۲ق، ج ۳، ص ۲۷۱).

۴. جلوگیری از احتکار: «زمانی که تاجران کالاها را احتکار کنند، مجبور به فروش با نرخ تعیین شده می شوند. اگرچه قول مشهور عدم اجبار به تسعیر است و اجبار محتکر فقط در فروش باشد نه تسعیر.» (حلی، ۱۴۱۳ق، ج ۲، ص ۱۱). در جامع المقاصد آمده است که: «جبر بر تسعیر صورت نگیرد و این قول صحیح است. زیرا الناس مسلطون علی أموالهم مگر در طلب ثمن، اجحافی صورت گیرد یا در تعیین آن ممانعتی وجود داشته باشد که در این حالات تسعیر جایز است.» (محقق کرکی، ۱۴۱۴، ص ۴۲). در کفایة الاحکام نیز اجبار محتکر بر تسعیر را در صورت اجحاف جایز دانسته است؛ هرچند قول به عدم تسعیر را اقوا می داند (محقق سبزواری، ۱۴۲۳ق، ج ۱ ص ۴۲۱).

۵. حفظ نظام زندگی: این قاعده در مباحث فقهی به چند معنا آمده است و درباره گستره هر یک از آنها در زمان ها و شرایط مختلف، بحث شده است. یکی از معانی حفظ نظام، نظام زندگی و معیشتی است. مقصود از حفظ نظام زندگی، رعایت اموری است که قوام جامعه و مردم به آن وابسته است و در صورت اخلاص در آن، نظم زندگی و معیشت مردم به خطر افتاده و دچار هرج و مرج می شود. علامه طباطبائی (ره) می نویسد: «مهم ترین چیزی که جامعه انسانی را پایدار می دارد، اقتصادیات جامعه است که خدا آن را مایه قوام اجتماعی قرار داده و ما اگر انواع گناهان و جرائم و جنایات و تعدیات و مظالم را دقیقاً آمارگیری کنیم و به جست و جوی علت آن پردازیم، خواهیم دید که علت بروز تمامی آنها یکی از دو چیز است: یا فقر مفرطی که انسان را به اختلاس اموال مردم از راه سرقت، راهزنی، آدم کشی، گران فروشی، کم فروشی، غصب و سایر تعدیات وادار می کند یا ثروت بی حساب است که انسان را به اسراف و ولخرجی و بی بندوباری در شهوات، هتک حرمت ها، شکستن حریم ها و تجاوز در جان، مال و ناموس دیگران وامی دارد.» (طباطبائی، ۱۳۶۷)، ج ۹، ص ۳۳۱). حفظ نظام به معنای اجتماع مسلمین نیز به کار رفته است. منظور این است که برخی امور هستند که قوام

جامعه و مردم به آنها وابسته است؛ به گونه ای که اگر در نظام اجتماعی اختلال رخ دهد زندگی اجتماعی مختل می شود و معیشت مردم به خطر می افتد. با این برداشت از مفهوم نظام، معنای این قاعده، ضرورت تلاش برای حفظ نظم، امنیت و مصالح عمومی جامعه و پرهیز از ایجاد خلل در آن خواهد بود (خمینی، ۱۳۸۸، ص ۲۵).

نمی توان ادعا کرد که روایات درباره قیمت گذاری به طور مطلق به منع آن نظر دارند؛ چراکه با وجود نسبت دادن قیمت به خداوند در برخی روایات، بعضی از قیمت ها ظالمانه و به زیان جامعه است. چنین قیمت هایی را نمی توان به خداوند منسوب کرد؛ زیرا قیمتی مورد رضایت خداوند است که مطابق با قیمت های رایج باشد و در آن هیچ ظلمی به کسی نشده باشد. اصل عدم تسعیر و آزاد بودن فروشنده در فروش، بر حسب حکم تراضی است که به آیه «یا ایها الذین آمنوا لا تأکلوا أموالکم بینکم بالباطل إلا أن تكون تجارة عن تراض منکم» (النساء، ۲۹) و روایتی از پیامبر (ص) مستند می شود. چنان که گفته شد مردم از پیامبر (ص) خواستند تعیین نرخ کند و پیامبر (ص) در پاسخ فرمود: «إن الله هو المسعر القابض الباسط الرزاق، إني لأرجو أن ألقى الله وليس أحد منکم یطالبني بمظلمة فی دم ولا مال.» این دلایل هم برای زمانی است که قحطی به درجه ضرر نرسیده باشد.

۴- نظریه مختار

قیمت دستوری یکی از راه حل های دولت برای سروسامان دادن به بازار و جلوگیری از ایجاد تورم است؛ راه حلی که شاید در اجرا یک جانبه نگر است و فقط به کنترل بازار از سوی دولت و کارآمد جلوه دادن اقتصاد و دولت نظر دارد. این دیدگاه پذیرفته شده نیست و برخی از صاحب نظران بر آن خرده گرفته اند؛ مانند این که گفته اند: «دولت درحالی که با افزایش حقوق و دستمزد، نرخ سود بانکی و نرخ حامل های انرژی موجب افزایش قابل توجه هزینه های واحدهای تولیدی شده است، با انتخاب ساده ترین روش کنترل تورم یعنی کنترل دستوری نرخ فروش، کاهش سودآوری بنگاه ها را به بار آورده است.» (میرصانعی، ۱۳۹۳، ص ۳). این نظر با ساده خواندن قیمت دستوری، می کوشد دولت را

ساده‌انگار جلوه دهد و به نوعی بیانگر این است که دولت برای کنترل تورم کارشناسانه عمل نمی‌کند و به خود زحمتی نمی‌دهد. در دیدگاهی دیگر آمده است: «قیمت‌گذاری باعث مفسده است؛ زیرا تولیدکننده‌ها و عرضه‌کننده‌های اجناس وقتی متوجه شوند قیمت مشخصی بر جنس آنها وضع شده و آنها در فروش کالای خود آزاد نیستند، از عرضه کالا خودداری می‌کنند و این عمل نه تنها باعث ضرر دوچندان بر مردم می‌شود، بلکه تولید و عرضه را هم با مشکل مواجه می‌کند. پس تعیین قیمت از طرف حاکم، به جز آن‌که موجب زیان مصرف‌کننده است، به تولید و عرضه هم زیان می‌رساند.» (موسویان و قراملکی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۵). این نظرات به روشنی فاسد بودن این روش و زیان دوجانبه بر مردم و فروشنده و تولیدکننده کالا را بیان می‌کند. در صورت اجحاف فروشنده نیز اگرچه باید راهکاری برای آن در نظر گرفت، اما دلیلی برای قیمت‌گذاری نیست. همچنین دلیل «لاضرر»، با توجه به این‌که قیمت‌گذاری در روایات به صراحت نفی شده است و امام علی (ع) نیز هیچ‌گاه قیمت تعیین نکرد، معنای دیگری به خود می‌گیرد و آن این است که حاکم در کنار اجبار محتکران بر عرضه اجناس، باید تدابیری بیندیشد تا مردم ضرر نکنند، مانند تصدّی مستقیم دولت در عرضه اجناس مشخص یا دادن یارانه به قشرهای خاص. اما در صورتی که برای دفع ضرر هیچ راهی به جز قیمت‌گذاری نباشد، این دلایل می‌توانند برای جواز قیمت‌گذاری کافی باشند. در نتیجه به صرف ظالمانه بودن قیمت، لزوم قیمت‌گذاری ثابت نمی‌شود، بلکه به ملاک رفع ضرر و ایجاد توازن و تعادل در بازار بستگی دارد. پس اگر برای طبیعی‌سازی وضعیت بازار راه دیگری وجود داشته باشد، نوبت به قیمت‌گذاری نخواهد رسید (موسویان و قراملکی، ۱۳۸۹، ص ۱۲۷)؛ چراکه تنظیم قیمت بازار به عوامل طبیعی مانند فراوانی و کمیت کالا و نیز میزان عرضه و تقاضا بستگی دارد و دخالت دولت در تعیین قیمت اجناس، چه بسا موجب ظهور احتکار و انحصار، تبانی و مسائل و مصائبی دیگر شود. در این وضعیت، نهایت مسئولیتی که برای حاکم اسلامی ثابت می‌شود، نگه داشتن وضعیت طبیعی بازار و جلوگیری از بروز هرنوع ناهنجاری در معاملات است.

علاوه بر دیدگاه کارشناسان اقتصادی درباره قیمت دستوری که حاکی از ناکارآمد

بودن آن برای تنظیم بازار و مهار تورم است، در متون فقهی نیز رأی مشهور علمای اسلامی، جایز نبودن تسعیر از سوی حاکم شرع است و اجماع فقها بر مختار بودن فروشنده و صاحب کالا در تعیین قیمت برای کالای خود است. فقط رأی غیر مشهوری قائل به جواز تسعیر بود که سایر فقها به آن اشکال کرده و آن را مخالف قواعد و عموماً شرعی دانسته‌اند. به نظر فقها صرف غیر عادلانه بودن قیمت‌ها، قادر بر تخصیص و تقیید عموماً نیست و حتی فقهایی که رأی به جواز آن داده‌اند (حلی، ۱۴۰۷ق، ج ۲، ص ۳۷۰؛ مفید، ۱۴۱۳ق، ص ۶۱۶؛ خمینی، ۱۴۲۱ق، ج ۳، ص ۶۱۳)، آن را منوط به متضرر نشدن صاحبان کالا و صلاح‌دید حاکم و کارشناسی صاحب نظران کرده‌اند.

پس با استناد به رأی کارشناسان و علمای دین، قیمت دستوری برای رشد اقتصاد و رفع تورم مناسب نیست و ترجیح بر عدم قیمت دستوری است.

۴-۱- دلایل ترجیح:

در ترجیح مقرر نکردن قیمت دستوری می‌توان دلایل زیر را بیان کرد:

۱. ایجاد فساد در سیستم اقتصادی: قیمت دستوری و غیر واقعی به غیر از فساد و رانت هیچ نتیجه دیگری ندارد. باید توجه داشت قیمت‌گذاری دستوری بزرگ‌ترین ضربه را به اقتصاد یک کشور وارد می‌کند. به طور یقین قیمت‌های دستوری، اداری و غیر واقعی برای کالاهای اساسی و مصارف مشخص، کارآیی در بازارهای کسب و کار را کاهش داده و از همه مهم‌تر ظرفیت شکل‌گیری فسادهای اداری و اقتصادی را افزایش می‌دهد (حسن نژاد، ۱۳۹۸، ص ۲). قیمت‌گذاری دستوری شروع رانت در اقتصاد است و این ارزان‌فروشی ریشه فساد اقتصادی است که موجب می‌شود مصرف‌کننده واقعی آن طور که باید نتواند مواد اولیه مصرفی خود را برای تولید تأمین کند؛ حال آن‌که بازار پررونق‌تر و فروش بالاتر در رقابت‌پذیری بیشتر است (صالحی، ۱۳۹۹، ص ۲).

۲. کاهش عرضه: تعیین دستوری قیمت‌ها همواره یکی از مشکلاتی بوده که بازارهای کشور را با خود درگیر کرده است. همین امر سبب شده تا در بسیاری از بازارها شاهد بروز

مشکلاتی باشیم که در صورت نبود مداخله در قیمت‌ها، هیچ‌گاه شکل نمی‌گرفتند. به نظر می‌رسد در مواجهه با مشکلات این‌چنینی، آن‌چه که مغفول مانده است، توجه به مضرات قیمت‌گذاری دستوری است که تولیدکنندگان را به کاهش عرضه یا خام‌فروشی وامی دارد (کوشکی، ۱۳۹۹، ص ۱).

۳. افزایش واسطه‌ها: قیمت‌گذاری دستوری هر کالایی بهترین خبر برای واسطه‌ها است. تولیدکننده با توجه به هزینه‌های زیادی که در پیش روی خود دارد، مجبور می‌شود که با قیمتی کمتر از واقعیت، محصول خود را عرضه کند؛ اینجا است که زمین بازی برای واسطه‌ها آماده می‌شود (حسن‌نژاد، ۱۳۹۸، ص ۲). در واقع نتیجهٔ سرکوب قیمت‌ها حاصلی به جز افزایش سود دلال‌ها ندارد؛ حاصلی که افزایش آن برای بخش غیررسمی بازار به منزلهٔ کاهش سود تولیدکنندهٔ محصولات است (کوشکی، ۱۳۹۹، ص ۴). اگر قیمت به شکل دستوری مشخص و به تولیدکنندهٔ آن کالا تکلیف شود، به طور طبیعی قیمت دومی در بازار آزاد برای آن محصول ایجاد می‌شود که در اینجا سود اصلی حاصل از اختلاف دو نرخ بالا به جیب واسطه می‌رود (مصباحی مقدم، ۱۳۹۸، ص ۱).

۴. تعمیم ضرر: مداخله در نظام تخصیص آزاد قیمت‌ها به شکل‌گیری فرصت آربیتراژ میان بازار آزاد با بازارهای رسمی منجر می‌شود که در نهایت قیمت‌گذاری دستوری را با شکست مواجه می‌کند. این مسئله به کالای قیمت‌گذاری شده نیز محدود نمی‌ماند و بر بهای تمامی تولیدات در صنایع بالادست و پایین‌دست، اثر خواهد گذاشت (کوشکی، ۱۳۹۹، ص ۴)؛ بنابراین اولویت با منع تسعیر است، مگر اینکه مصلحت ملزومه و حفظ حیات مردم و جامعه، بسته به آن باشد و پس از بررسی صاحب‌نظران اقتصادی، راه دیگری به جز آن نباشد.

نتیجه‌گیری

قیمت دستوری، اگرچه سیاستی برای کنترل بازار و تورم است، اما با توجه به مفسده‌هایی که در سیستم اقتصادی ایجاد می‌کند، روشی کارآمد برای کنترل بازار

نیست. در این پژوهش کوشیدیم قیمت‌گذاری دستوری (تسعیر) و نتایج آن را در نظرات علمای اسلامی و کارشناسان اقتصادی جست‌وجو کنیم. با توجه به جایز نبودن این روش در نظر بیشتر عالمان اسلامی و رأی کارشناسان در رد کارآمدی این شیوه، که موجب زیان بیشتر بر تولیدکننده و مصرف‌کننده، افزایش واسطه‌ها و تعمیم ضرر خواهد بود، چنین نتیجه می‌گیریم که قیمت‌گذاری دستوری، روشی ناکارآمد برای کنترل بازار است؛ بنابراین ترجیح با حذف این شیوه و جایگزینی آن با روش کارآمدتر و متناسب با اقتصاد جامعه است.

منابع

- ۱- ابن قدامة، أبو محمد موفق‌الدین عبد الله بن أحمد بن محمد (۱۹۶۸م)، المغنی، القاهرة: مكتبة القاهرة.
- ۲- ابن منظور، محمد بن مکرم بن علی (۱۴۱۴ق)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
- ۳- أبو داود، سلیمان بن الأشعث بن إسحاق (بی‌تا)، سنن أبي داود، بیروت: المكتبة العصرية.
- ۴- أبو زید، بکر بن عبد الله (۱۴۱۶ق)، فقه النوازل، بی‌جا: مؤسسة الرسالة الطبعة.
- ۵- بغدادی، عبد الرحمن بن محمد بن عسکر (بی‌تا)، إرشاد السالك إلى أشرف المسالك في فقه الإمام مالك، بهامشه تقریرات مفیده لإبراهیم بن حسن، مصر: شركة مكتبة ومطبعة مصطفى البابي الحلبي وأولاده.
- ۶- تجیبی، أبو الولید سلیمان بن خلف بن سعد بن أيوب بن وارث (۱۳۳۲ق)، المنتقى شرح الموطأ الإمام مالك، مصر: مطبعة السعادة.
- ۷- ترمذی، محمد بن عیسی بن سوره بن موسی (۱۹۹۸م)، سنن الترمذی، بیروت: دار الغرب الإسلامي.
- ۸- جمعی از مؤلفین (بی‌تا)، أبحاث هيئة كبار العلماء بالمملكة العربية السعودية، بی‌جا: موقع الرئاسة العامة للبحوث العلمية والإفتاء.
- ۹- حلی، ابن‌ادریس، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ق)، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی، ۳ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی.

- ۱۰- حلي، جمال الدين احمد بن محمد اسدي (١٤٠٧ق)، المهذب البارع في شرح المختصر النافع، قم: دفتر انتشارات اسلامي.
- ۱۱- حلي، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي (١٤٢٠ق)، تحرير الأحكام الشرعية على مذهب الإمامية (ط - الحديثة)، ٦ جلد، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
- ۱۲- حلي، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي (١٤١٤ق)، تذكرة الفقهاء، قم: مؤسسه آل البيت (عهم).
- ۱۳- حلي، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي (١٤١٣ق)، قواعد الأحكام في معرفة الحلال والحرام، ٣ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامي.
- ۱۴- حلي (علامه)، حسن بن يوسف بن مطهر اسدي (١٤١٠ق)، نهاية الإحكام في معرفة الأحكام، قم: مؤسسه اسماعيليان.
- ۱۵- خميني، سيدروح الله (١٤٢١ق)، كتاب البيع، قم: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني.
- ۱۶- خميني، سيدروح الله (١٣٨٨)، ولايت فقيه، حكومت اسلامي، تهران: مؤسسه تنظيم و نشر آثار امام خميني.
- ۱۷- خويي، أبو القاسم (١٣٧٧ش)، مصباح الفقاهة، قم: مكتبة الداوري.
- ۱۸- ديبان، أبو عمر ديبان بن محمد (١٤٣٢ق)، الْمُعَامَلَاتُ الْمَالِيَّةُ أَصَالَةٌ وَمُعَاصَرَةٌ، الرياض: مكتبة الملك فهد الوطنية.
- ۱۹- زبيلي حنفي، عثمان بن علي بن محجن البارعي فخرالدين (١٣١٣ق)، تبیین الحقائق شرح كنز الدقائق وحاشية الشُّلبي، القاهرة: المطبعة الكبرى الأميرية - بولاق.
- ۲۰- شيرازي، أبو اسحاق إبراهيم بن علي بن يوسف (بي تا)، المهذب في فقه الإمام الشافعي، بي جا: دارالكتب العلمية.
- ۲۱- شوکانی، محمد بن علی، (بی تا)، نیل الاوطار، بیروت: نشر دارالجيل.
- ۲۲- طباطبائی، سيد محمد حسين (١٣٦٧)، ترجمه تفسير الميزان، ٢٠ جلد، ترجمه ناصر مكارم شيرازي، قم: بنياد علمي و فرهنگي علامه طباطبائي.

- ۲۳- طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۹۰ق)، الإستبصار فيما اختلف من الأخبار، تهران: دارالکتب الإسلامية.
- ۲۴- طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (۱۴۰۷ق)، الخلاف، ۶ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۵- طوسی، ابوجعفر، محمد بن حسن (۱۳۸۷ق)، المبسوط في فقه الإمامية، ۸ جلد، تهران: المكتبة المرتضوية لإحياء الآثار الجعفرية.
- ۲۶- عاملي، جواد بن محمد حسيني (۱۴۱۹ق)، مفتاح الكرامة في شرح قواعد العلامة، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۲۷- غيتابی حنفی، أبو محمد محمود بن أحمد بن موسى (۱۴۲۰ق)، البناية في شرح الهداية، بيروت: دار الكتب العلمية.
- ۲۸- كليني، محمد بن يعقوب (۱۴۰۸ق)، الكافي، بيروت: دار الكتب الإسلامية.
- ۲۹- محقق سبزواری، محمد باقر بن محمد مؤمن (۱۴۲۳ق)، كفاية الأحكام، ۲ جلد، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
- ۳۰- محقق كركی، علی بن حسین (۱۴۱۴ق)، جامع المقاصد في شرح القواعد، ۱۳ جلد، قم: مؤسسه آل البيت (عهم).
- ۳۱- مرداوي، علاء الدين أبو الحسن علي بن سليمان (بی تا)، الإنصاف في معرفة الراجح من الخلاف، بی جا: دار إحياء التراث العربي.
- ۳۲- نجفي، محمد حسن بن باقر (۱۳۶۸)، جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام، بی جا: دارالکتب الإسلامية.
- ۳۳- مفید، محمد بن محمد بن نعمان (۱۴۱۳ق)، المقنعة، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
- ۳۴- هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۲۶ق)، فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت (عهم)، ۳ جلد، قم: مؤسسه دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (عهم).

مقالات

- ۱- موسویان، سیدعباس و بهاری قراملکی، حسن (۱۳۸۹)، ضوابط قیمت‌گذاری از منظر فقه امامیه، دوفصلنامه معرفت اقتصادی، ۱(۲)، ۱۰۹-۱۳۶.
- ۲- نظریور، محمدنقی (۱۳۸۰)، امام علی (ع)، حکومت و بازار، مجله کتاب نقد، ۶(۱۹)، ۲۲۲-۲۷۲

سایت‌ها

- ۱- دومینوی شکست قیمت دستوری، روزنامه دنیای اقتصاد (۱۳۹۹، ۴ آذر)، بازیابی شده در <https://donya-e-eqtasad.com>، ۱۳۹۹/۹/۲۰
- ۲- حسن‌نژاد، محمد، (شهریور ۱۳۹۷)، قیمت دستوری کالاها، بهترین خبر برای واسطه‌ها، از www.sena.ir
- ۳- صالحی، حمیدرضا (۱۳۹۹، ۲۰ فروردین)، قیمت‌گذاری دستوری شروع رانت در اقتصاد است، بازیابی شده در <https://www.eghtesadonline.com>، ۱۳۹۹/۱۰/۲۳
- ۴- مجموعه من المؤلفین [موسوعة فقه المعاملات] (بی‌تا)، فقه المعاملات، بازیابی شده در https://www.islamspirit.com/islamspirit_ency-294.php، ۱۳۹۹/۹/۲۰
- ۵- مرتضی کوشکی، حمید (۱۳۹۹، ۱ مرداد)، همیشه پای قیمت‌های دستوری در میان است، بازیابی شده در <https://donya-e-eqtasad.com>، ۱۳۹۹/۹/۲۵
- ۶- مسعود انصاری، ۶ روش استراتژی قیمت‌گذاری (۱۳۹۸)، بازیابی شده در <https://dmacourse.com/blog/pricing-strategy-methods/>، ۱۳۹۹/۹/۲۷
- ۷- مصباحی مقدم، غلامرضا (۱۳۹۸، ۲۷ مرداد)، قیمت‌گذاری دستوری به ضرر تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان، بازیابی شده در <https://khabarban.com/a/24807401>، ۱۳۹۹/۹/۲۱
- ۸- مصوبه کارگروه تنظیم بازار (۱۳۹۷، ۱۰ شهریور)، بازیابی شده در <http://old.tpo.ir/index.aspx?fkeyid=&siteid=1&pageid=5424&g=66&p=3>، ۱۳۹۹/۱۰/۲۰
- ۹- میرصانعی، روح‌الله (۱۳۹۳، ۲ مرداد)، عارضه‌یابی نزول ۶ ماهه بازار سهام، روزنامه دنیای اقتصاد، بازیابی شده در <https://donya-e-eqtasad.com>، ۱۳۹۹/۹/۲۶